

نگاهی تازه به ویژگیهای زبانی و بلاغی نفثة المصدور

(ص ۱۵۳ - ۱۴۳)

صدیقه مهربان^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۶

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۵/۸

چکیده:

این نوشتار بر آنست که سبک هنری و سبک خاص نفثة المصدور را معرفی کند. اهمیت کتاب بعنوان یکی از شاهکارهای بدیع نثر فنی و منشیانه قرن هفتم، علاوه بر جنبه تاریخی، بلحاظ ساختار و ویژگیهای بدیع آن است. با وجود وجوه مشترک در نثر فنی و مصنوع، توجه و اصرار و ولع نویسنده در آراستن سخن به بدیع لفظی و برجستگی خاص «لفظ» با مراعات سجع، موازنه و قرینه سازی و نیز تزیین و تلمیح کلام به آوردن احادیث، امثال، اشعار عربی و فارسی و جملات معترضه موجب گردیده نثر وی در مقایسه با آثار برجسته معاصرانش از جمله «مرزبان نامه» و «تاریخ جهانگشا» علاوه بر دارا بودن سبک دوره، صاحب سبک فردی نیز باشد. در این مختصر، صنایع ادبی پُر کاربرد در نفثة المصدور با مختصر نمونه هایی از «مرزبان نامه» و «تاریخ جهانگشا» که عوامل سازنده آن مبتنی بر تکرار «واج» است، مورد بررسی قرار گرفته است. تمام آرایه های لفظی، انواع جناس، سجع، تکرار، قلب، اشتقاق، شبه اشتقاق بر مبنای تکرار واجهاست که نویسنده با رعایت قواعد و قوانین کتب بلاغی، تنها به قصد زیور و زینت کلام بکار نگرفته بلکه با ایجاد موسیقی و طنین کلام به القای بهتر معنی پرداخته و با ابزار کلام تابلوهایی از درد و رنج غارت مغولان ترسیم کرده، عواطف خود را به مخدوم خویش بیان داشته است. «زیدری نسوی» با چیرگی خاص بر زبان، هنرمندانه و با بسامد بالا از شگرد تکرار که موجب نزدیک شدن نثر وی به زبان شعر گردیده، بهره جسته و ارتباطی هنری بین لفظ و معنا ایجاد کرده و با موسیقی الفاظ فضای القایی و ویژگی شاعرانگی اثرش را تقویت کرده است.

کلمات کلیدی:

نفثة المصدور، سبک، آرایه های لفظی، تکرار، واج

مقدمه:

برای استخراج ویژگیها و اختصاصات سبک ادبی یک اثر، بهترین و دقیقترین راه، توجه به مسأله بسامد و ابداعات است، زیرا بسامدها و تکرارها، نشاندهنده ویژگی سبکی است و نیز خروج از هنجارها و بکارگیری ابداعات ادبی میتواند ویژگی سبکی هر شاعر و نویسنده‌ای را جهت دهد و برجسته نماید.

«نفثة المصدور» یکی از شاهکارهای بدیع نثر فنی و از نمونه‌های عالی نثر مصنوع و منشیانه نیمه اول قرن هفتم است. این کتاب علاوه بر اهمیت آن از لحاظ تاریخی که گویای درد و رنج مصائب هجوم مغول به ایران است، دارای ارزش ادبی و سبک‌شناسی بالایی نیز میباشد.

مبنای نثر مصنوع و فنی بر آرایش سخن و تناسب لفظ و معنی، همچون آوردن سجع، موازنه، ترصیع، تضمین مزدوج، ایهام، تضاد، حس تعلیل، مبالغه، اغراق، جملات متوازن، تضمین آیه و حدیث، شعر و استشهاد به آیه، تشبیهات، استعارات و دیگر صنایع لفظی و معنوی است. در بسیاری از نثرهای این دوره از جمله «مرزبان نامه» و «جهانگشا» ویژگیهای بارز نثر فنی و متکلف ملاحظه میگردد.

چنانچه در نثرهای تاریخی مانند «تاریخ جهانگشا»، مورخ توجه خاصی به آرایش و زیور کلام بیش از معنی داشته و گاه تسلسل معانی که در نثر تاریخی هدف و مقصود است به فراموشی سپرده و کلام به معانی شعری پیوند داده میشود و یا صاحب مرزبان نامه نوشاروی تلخ نصیحت را از زبان حیوانات، به شیوه داستان بیان داشته و نثر خود را با زیورهای بدیعی، بکاربردن صنعت، آیه، مثل و ابیات عربی و فارسی می‌آراید.

اما ویژگی سبکی خاص جالب توجه و چشمگیر در انشای نفثة المصدور، اصرار و ولع نویسنده در مراعات سجع، موازنه، قرینه‌سازی با بکارگیری واجهای مشترک در این صنایع که موجب فضای موسیقایی خاص و زیبایی در نثر وی گردیده است و نیز تزیین و تلمیح کلام به آوردن احادیث، امثال و اشعار عربی و فارسی در خور توجه است، چنانکه مؤلف به شیوه نویسندگان و مترسلان قرنهای ششم، هفتم و هشتم، نثر خود را بدانها آراسته است. از دوره‌های گوناگون ادب عربی در این کتاب، اشاره به نام شاعران برجسته‌ای همچون: تابط شرا، کعب بن زهیر، عروه بن حزام العذری، کمیت زید اسدی، متنبی، ابیوردی، سه‌وردی، قطرب قابل توجه است. اما متنبی با شانزده بیت در این میان شاخص است. وی علاوه بر قرآن، اشعار عربی و فارسی را نیز حفظ بوده و آیات و احادیث در متن را بصورت جمله

معترضه و شاهد یا در ساختار کلام به صورتیکه جزئی از بافت کلام منسجم اوست، بکار برده است.

نسوی این آفرینشهای هنری را با دقت و مهارت خاصی بکار گرفته که این امر موجب شده وی علاوه بر سبک دوره، صاحب سبک فردی و نثر وی از دیگر همعصران خود ممتاز گردد. استاد بهار در مجلد سوم درباره نفثة المصدور چنین نگاشته است: این رساله از حیث سبک و شیوه به همان شیوه معاصرین است و میتوان گفت از حیث جزالت و استحکام بر غالب مراسلات بها الدین بغدادی رجحان دارد، اسجاع بارد و پیایی ندارد و در مراعات صنایع بدیعی خودداری ننموده است. (سبک‌شناسی، بهار، ج ۳: ص ۸) در این مقاله سعی بر این است که شگرد خاص مؤلف در مقایسه با دو اثر معاصرش مرزبان نامه و جهانگشا بر مبنای مطالعات بلاغی و سبکی نشان داده شود. شیوه‌ای که بر اساس تکرار واجها با بسامد بالا در الفاظ و بهره‌گیری از صنایع لفظی است که دل‌انگیزی و زیبایی خاصی به نثر وی بخشیده و با ایجاد موسیقی و پیوند لفظ و معنی از طرفی عواطف و احساسات خویش را به مخدوم خود بیان داشته و از سویی با ابزار کلام تابلوهایی از فضای درد و رنج قتل و غارت مغولان ترسیم کرده است.

در اینجا به بررسی آن دسته از صنایع لفظی که مبتنی بر تکرار واجهاست، میپردازیم. که با تکرار واج با بسامد بالا موجب مختصه خاص در سبک وی گردیده است.

تکرار :

نفثة المصدور کتابی تاریخی- ادبی است. هرچند کتب تاریخی از نوع کتب علمی محسوب میشوند و برای تفهیم و تفاهمند و لاجرم باید به شیوه مرسل نگاشته شوند، اما نسوی این کتاب را علاوه بر جنبه تاریخی که به لحاظ بیان عواطف و احساسات هم‌مقامی دارد، به نثر مصنوع اما سخت دلاویز و موثر در حدود ۶۳۲ هـ. نگاشت. (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۱۴۱) وجهه همت مولف بر مراعات بدایع لفظی است، چنانچه به آرایش کلام بیش از معنی توجه داشته است. آنچه در صنایع لفظی موسیقی ایجاد میکند مبتنی بر تکرار است، که نویسنده برای القای معنی از آن بهره برده است.

تکرار در زیبا‌شناسی هنر، از مسائل اساسی است. کورسوی ستارگان، بال زدن پرندگان به سبب تکرار و تناوب است. صدای قطرات باران که متناوباً تکرار میشود، آرام بخش است. قافیه و ردیف در شعر فارسی تکرار است. (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۸۹)

روشی که در بدیع لفظی، موسیقی کلام را به وجود می‌آورد و یا افزون می‌کند. تکرار واک، هجا، واژه، عبارت، جمله یا مصراع است. (همان، ص ۷۹)

در حقیقت انواع سجع و جناس نوعی تکرار است که نویسنده الفاظی را بکار می‌برد که تمام یا تعدادی از واجهای آنها مشترک است. زیدری در سراسر نثر خود از این صنعت به فراوانی بهره‌جسته و با بکارگیری آنها موسیقی درونی نثر را افزوده و پیوند معنایی در اجزای کلام برقرار کرده است.

در میان صنایع لفظی، سجع و جناس بیش از موارد دیگر مورد توجه مؤلف بوده است و از انواع سجع، به نوع متوازی و معروف آن رغبتی بیشتر نشان داده است. اینک به ذکر نمونه‌هایی بسنده می‌کنیم.

از قرن ششم به بعد، سجع که اکثر علمای بلاغت آنرا ستوده و از عوامل رونق کلام دانسته‌اند در نثر متداول گردیده و مترسلان آنرا در اقسام مختلف نثر بکار گرفته‌اند به گونه‌ای که در اواخر قرن هفتم سجع به غایت تکلف و کمال خود رسید.

سجع: سجع آن است که کلمات آخر قرینه‌ها در وزن یا حرف روی یا هر دو موافق باشند. (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۴۴)

سجع متوازی: آن است که دو پایه سجع در وزن و روی هر دو مطابق باشند. (همان، ص ۴۲)

- بیدار باشید که وقت احتیاط و حذر است. در اختلاف روایات تأملی فرمایید که محل نظر است. (نفثة المصدور، زیدری نسوی: ص ۳۱)

- اقوال سرسری را به مَصْرَی برداشت و نبهرة احوال مزیف را سره انگاشت. (همانجا)

در واژه‌های «حذر، نظر»، «انگاشت، برداشت»، تکرار وزن و تکرار واکهای مشابه موجب غنیر شدن موسیقی کلام گردیده است، چون سجع متوازی موسیقایی‌ترین سجعهاست.

سجع مطرف: آن است که الفاظ در حرف روی یکی و در وزن مختلف باشند. (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۴۲)

- آن خاکساران آتشی را خاک سوی مکمن اجل میراند و آن گورخران خر طبع را گور سوی مریاض آساده میدواند. (نفثة المصدور، زیدری نسوی: ص ۳۳)

- نه هر سنگ که از بدخشان خیزد، گوهر است و نه هر نی که از مصر گردید نیشکر. (همان، ص ۱۵)

در واژه‌های «میراند، میدواند» و «گوهر، نیشکر» تکرار واکهای مشابه در آخر واژه، بر زیبایی موسیقی افزوده است.

- تضمین مزدوج: هماهنگ کردن دو یا چند جمله به وسیله رعایت قافیه در فعل آخر دو جمله و تقابل انواع سجع در حشو هر جمله است. (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۴۶)
- چون نصیحت فصیحت بار می آورد و ملامت به ندامت می کشید... (نفثة المصدور، زیدری نسوی: ص ۱۸)
 - کو آن پادشاه که از سربازی به گوی بازی پرداختی؟ (همانجا)
 - از دشمن کامی، حامی و حارس میشد. (همان، ص ۱۴)
 - از ابتدای صباح تا انتهای رواج به صید آهو و خرط مینشست. (همان، ص ۱۸)
 - شهوات عشق بر شهوات عتاق برنگزیدی. (همان، ص ۱۹)
 - حدود بیض را بر حدود بیض ترجیح ننهادی. (همانجا)
- نویسنده با بکار بردن واژه های مسجع، پیوند هنری بین لغات را برجسته تر ساخته است. التزام نویسنده به این صنعت باعث شده است که گاهی سه سجع و گاهی چهار سجع هم در عبارات دیده شود.
- سه سجع:
- ورم در حال به رسم استغفار در قدم افتاده و آلم بر سیل اعتذار بر پای ایستاد. (همان، ص ۹۳)
 - قالب مسکین که مسکن روح نازنین است، عمری مصاحب جان شیرین بود... (همان، ص ۵۳)
- چنانکه میبینیم، با هماهنگی لفظی و موسیقایی و ایجاد واک های مشابه، به اثرگذاری کلام افزوده شده است.
- چهار سجع:
- ممالک همه مهالک گشته، مسالک به یکبار معارک شده. (همان، ص ۹۴)
 - طعمه غراب و لقمه عقاب خواهند بود و تا نه بس دیر، لهنه کلاب و نجعه ذئاب خواهند شد. (همان، ص ۳۴)
- گاهی پاره ای از اسجاع را در چندین جای از صفحات کتاب تکرار کرده است.
- به هر قدمی که بگذاری، ندمی روی خواهد نمود. (همان، ص ۹۸)
 - به هر قدمی که نه بر جاده قرار زده ام، امروز ندمی روی نموده. (همان، ص ۱۱۷)
- دو سجع متوازی «قدم» و «ندم» را در یکبار در صفحه ۹۸ و یکبار در صفحه ۱۱۷ بکار برده است.

اگر چه در جهانگشا نیز سجع و موازنه بسیار به چشم می‌خورد اما بیشتر در مقدمه و قسمت آغازین کتاب است با یک بررسی کلی میتوان دریافت از نظر بسامد به اندازه نفثه المصدور نیست.

نمونه‌هایی از سجع و موازنه از جهانگشا:

مسجودی که وجود او واهب انوار عقل و جودست. پروردگاری که به اختلاف لغات و صفات شکر روایع بدایع صنایع او مقصود است. (تاریخ جهانگشا، ج۱: ص ۱) مخالفان از خوف بآس و سطوت او شراب و بیل چشیده، دست سیاست هیبت او چشم فتنه را به میل کشیده. (همان، ص ۲)

استاد دانشمند فقید ملک الشعرای بهار در مجلد ۳ چنین نگاشته است: جهانگشا به اندازه کلیده و مرزبان نامه از آوردن اسجاع خودداری نکرده و نیز به درجه مقامات حمیدی سجع مکرر نیاورده، چون بهاءالدین و محمد نسوی نیز نثرش خسته کننده نیست و میتوان گفت به یکدستی آن چند کتاب نیز نیست. (سبک‌شناسی، بهار، ج ۳: ص ۵۳)

سجع در مرزبان نامه:

در مرزبان نامه نیز یکی از صنایع بارز ادبی سجع است. سعدالدین با مهارت هر جا اقتضا کرده نثر را به زیور بدیعی آراسته است، با یک بررسی کلی و اجمالی می‌توان استنباط کرد که از لحاظ بسامد باندازه نفثه المصدور نیست، همچنانکه استاد ملک الشعرای بهار در تایید این موضوع چنین نگاشته است: مرزبان نامه از تکلفات معاصران یا استادان مشهور مانند بهاءالدین بغدادی و محمد نسوی و دیگران اجتناب جسته و مانند ابوالمعالی به همان موازنه و ازدواج اکتفا کرده است، حتی الامکان از سجع پی در پی تن زده است. (همان، ص ۱۶)

ملک زاده گفت: شنیدم که شیری بود به کم آزاری و پرهیزگاری از جمله سباع و ضواری متمیز و از تعرض ضعاف حیوانات متحرز. (مرزبان نامه، وراوینی: ص ۲۷۷)

جناس نیز از جمله صنایعی است که مؤلف در بکار بردن آن اهتمام تمام داشته است. در حقیقت میتوان انواع جناس‌ها (تام، مطرف یا محرف، زاید، خط، مضارع و لاحق و مرگب و مکرر) را در زمره واج آرایبی و یا تکرار به شمار آورد. چون نویسنده لغاتی را بکار میبرد که همه یا بیشتر واکهای آن با هم مشترکند اما مفاهیم آنها گوناگون است. زیدری در سراسر کتاب خود از این آرایه فراوان بهره برده است. در اینجا به نمونه‌هایی از هرگونه اشاره میشود:

جناس: جناس یا همجنس‌سازی الفاظ کلام، یکی دیگر از روشهایی است که در سطح کلمات یا جملات، هماهنگی و موسیقی بوجود می‌آورد و یا موسیقی کلام را افزون میکند. (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۳۵)

جناس تام: در این گونه تمام واژه‌های قرینه همانند هستند، اما معنای آنها متفاوت است.

- رُووس را رُووس در پایکوب افتاده. (نفثه المصدور، زیدری نسوی: ص ۲)
- از آبکار و عون، آبکار و عون حرب را شناختی. (همان، ص ۱۹ و ۱۸)
- تکرار «رُووس» و «آبکار» و «عون» سریان و جریان لفظی و موسیقی خوش آهنگی را در جمله پدید آورده است.

جناس محرف (ناقص): در این نوع، حرکت دو پایه جناس متفاوت است، اما حرفهای آنها همانند است.

- سیلاب جَفای ایام، سرهای سروران را جُفای خود گردانید... (همان، ص ۱)
 - وُثاق با آنچه دود و گرد بر گرد او بود... (همان، ص ۵۲)
- جناس محرف میان دو واژه «جفا و جُفا» و «گرد و گرد» پیوندی هنری برقرار گردیده است.
- جناس لفظ:** آن است که دو پایه جناس افزون بر تفاوت معنایی، در نوشتار نیز متفاوت باشند اما تلفظ آن همانند باشند.

- تا سحر، سرمه سهر کشیده بودم. (همان، ص ۵۱)
- القصة از تنگنای این احوال که از شدت این احوال بجای عرق، خون چکد از مسام... (همان، ص ۲۶)

واژه‌های «سحر و سهر»، «احوال و احوال» جناس لفظ ساخته‌اند و پیوند این واژه‌ها موسیقی درونی و معنوی جمله را پرورانده است.

جناس مکرر: آن است که دو کلمه همگون را در پایان قرینه‌های مسجع یا ابیات، پهلوی هم آورند. حال ممکن است دو کلمه همگون جناس تام باشد و ممکن است جناس زاید؛ مثل: زار و نزار و یا ملحق به زاید؛ مثل: یار و عیار. (نقد بدیع، فشارکی: ص ۳۷) استاد جلال الدین همائی را نظر بر آن است که جناس مکرر گونه خاصی از جناس نیست، بلکه زمانی که پایه‌های جناس کنار یکدیگر قرار گیرند، آنرا مکرر دانسته‌اند. پس جناسهایی که پشت سر هم قرار گرفته‌اند، میتوانند جناس مکرر به حساب آیند. (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۶۰)

- سرود رود، درود سلطنت او میداد. (نفثه المصدور، زیدری نسوی: ص ۱۸)

جناس مکرر در واژه‌های «سرود، رود، درود» بر موسیقی درونی افزوده و نثر را به شعر نزدیکتر کرده است.

جناس خط: آوردن واژه‌هایی که تنها در نقطه‌ها و گاه فقط یک نقطه با یکدیگر تفاوت دارند، جناس خط یا تصحیف را بوجود می‌آورد.

- مگو که: شقیقی نیست که به غم و اندوه متأثر شود. شفیقی ندارم که به بد و نیک اندوهگین و مستبشر گردد. (همان، ص ۸)

- کتابت که کنایت از آن در آن سر وقت، آهن سرد کوفتن بود... (همان، ص ۵۱)
جناس در واژه‌های «کتابت و کنایت» و «شقیقی و شفیقی» پیوندی هنری برقرار کرده است و موسیقی کلام تقویت شده است.

اشتقاق: آنچه در کتابهای بدیع اشتقاق و شبه اشتقاق خوانده شده، عبارت است از آوردن الفاظی که هم ریشه‌اند یا واکهای مشابه آنها چندان زیاد است که گمان می‌رود هم‌ریشه باشند. با اندکی درنگ روشن میشود که این آرایه به جز واج آرایه و تکرار چیزی نیست. چون نویسنده و شاعر با تکرار واج، کلام خود را می‌آرایند.

- مدارس علوم همه مدروس شده... (همان، ص ۹۴)
- خبر رسانید که پنجاه طلب از اطلاب ملاعین تاتار، کانه‌ها ارکان یذیل... بر حدود ارمن گذشتند. (همان، ص ۳۲)

بین واژه‌های «مدارس و مدروس» و «طلب و اطلاب» جناس اشتقاق وجود دارد. آوردن این واژه‌ها در جمله بر زیبایی موسیقایی کلام افزوده است.

شبه اشتقاق:

- بلارک هندی به برگ هندبا منثلم گشته. (همان، ص ۷۳)
- نکبای نکبت تن مسکین را چند بار کشته و هنوز زنده است. (همان، ص ۹)
«هندی و هندبا» جناس شبه اشتقاق ساخته‌اند و تقابلی هم بین دو واژه آورده است که علاوه بر موسیقی، پیوند هنری برقرار کرده است. و همچنین بین دو واژه «نکبا و نکبت» علاوه بر رابطه‌ی همانندی و تشبیه، تناسب آوایی و لفظی ایجاد گردیده است.
قلب: یکی از شیوه‌های آفرینش هنری جابجایی واکها در یک واژه است که در اصطلاح به آن «قلب» یا «بازگونگی» می‌گویند. این آرایه یکی از هنرورزیهای پرکاربرد در نفثه‌المصدر میباشد.

- یمانی در قراب رقاب جایگیر آمده... (نفثه‌المصدر، زیدری نسوی: ص ۲)

واژه‌های «قِرَاب و رِقَاب» جناس قلب ساخته اند. نویسنده در این عبارت بر آن بوده است که شدت بیرحمی مغولان و فضای رنج و درد و باژگونگی اوضاع پس از حمله مغول را بیان کند.

قلب مطلب: گاهی واژه‌های جمله و عبارت جابجا میشوند که میتوان این صنعت را نیز گونه‌ای از تکرار نامید.

- روز روشن را از غبار، شب تاریک کرده و شب تاریک را از شعله آتش، روز روشن گردانیده... (همان، ص ۳۶)

اگرچه در دو اثر، مرزبان نامه و جهانگشا نیز جناس و سجع را بعنوان ویژگی مشترک با نفثة المصدور میتوان یافت اما ولع و اصرار نسوی در بکارگیری صنایع ادبی و نیز تزیین و تلمیح کلام به آوردن آیات، احادیث، اشعار عربی و فارسی و نیز جملات معترضه فراوان اعتبار خاصی به سبک وی بخشیده و سبک نسوی را از سبک دوره متمایز کرده است. نکته جالب نظر بهره‌گیری از موسیقی تکرار واجهای صنایع لفظی جهت فضا سازی، ایجاد تابلو، پیوند معنی و لفظ درخور توجه است.

اگر بازی با کلمات و ایجاد تناسبات سحرآمیز لفظی از شگردهای زبندی به شمار می‌آید و وی شهنشاه میدان لفظ پردازی است حکایت از چیرگی و توانمندی او بر زبان و کلام دارد.

برخی دیگر از ویژگیهای سبکی نویسنده:

• استفاده از کلمات کم کاربرد به سبب تمهید سجع و جناس در سیاق کلام:
- از لذت خورد و شراب به بلال‌ای راضی شده و از راحت خواب و قرار به غلاله‌ای قانع گشته... (همان، ص ۲۱)

«بلاله و غلاله» از واژه‌های کم کاربرد هستند و نویسنده با بکارگیری سجع این دو واژه را آورده است.

• بکار بردن کلمه «یعنی» وقتیکه خود نویسنده جملات را توضیح داده است:
- تا قاطع ارحام حیات یعنی سیف به کار آمده... (همان، ص ۲)
- از این صدر نشین دلگیری، یعنی اندوه، حکایت شکایت آمیز فرو خوانم. (همان، ص ۳)
واژه «سیف» توضیح ترکیب «قاطع ارحام حیات» است و واژه «اندوه» توضیح ترکیب «صدر نشین دلگیری».

• تعدّد جملات معترضه:

این امر ناشی از التزام نویسنده به ایجاد تناسبات لفظی است. بکارگیری فراوان از این شیوه موجب گردیده گاهی فهم عبارات برای خواننده ناآشنا به شیوه نویسنده مشکل گردد. با مشخص شدن جملات معترضه، گره فهم متن گشوده می‌گردد. در جمله بندی کتاب، پس از مراعات بدایع لفظی، آنچه چشمگیر است وجود جمله های معترضه بسیار است. - بندی از وقایع خویش که (آسیبی از آن ارکان رضوی و ثهلان را از جای بردارد و نهیبی از آن کره باوقار زمین را بیقرار گرداند) بر قلم ران. (همان، ص ۷)

• قرینه سازیهای متنی:

یکی دیگر از شیوه‌های نویسنده، قرینه‌سازی در سطح جملات است که موجب هرچه بیشتر آهنگین شدن کلام وی و زمینه ساز ظهور صنایع لفظی متن گردیده است. - سلطان «أليس لي ملك مصر و هذه الانهار تجري من تحتي» در دل بی عقل او خانه گرفته و سودای «ابن لي صرحاً لعلی ابلغ الاسباب» در سر بی مغز او خایه و بچه نهاده (همان، ص ۲۲)

نتیجه:

در یک نگاه کلی اهمیت کتاب نفثة‌المصدر علاوه بر محتوای تاریخی، فرم و ساختار اثر و عوامل ایجاد کننده سبک هنری آن است. لفظ، ابزاری برای آفرینشهای ادبی و بیان هنری است. نویسنده هر قدر بر زبان تسلط بیشتری داشته باشد، در آفرینش ادبی خود موفقتر است. زیدری نسوی از این مهارت خود با آگاهی و هنرمندانه بهره جسته است، به همین دلیل «لفظ» در نثر وی برجستگی خاص یافته است. با توجه به وجوه مشترکی که در نثر قرن هفتم از لحاظ صنایع بدیعی، تضمین و تلمیح به آیات و روایات و اشعار فارسی و عربی دیده میشود اما اصرار در بکارگیری فراوان این ویژگیها موجب تمایز در سبک نسوی در مقایسه با نثرهای این دوره از جمله «تاریخ جهانگشا» و «مرزبان نامه» گردیده است. نویسنده با بکارگیری صنایع ادبی و بهره گیری از تکرار و بازی با لغات، لفظ و معنا را به هم پیوند داده و با ابزار کلام و ایجاد موسیقی به فضا سازی از رنج غارت مغولان پرداخته است. در نفثة‌المصدر عنصر سازنده بسیاری از صنایع لفظی از جمله، جناس، سجع، اشتقاق، شبه اشتقاق و... تکرار واحهای مشابهی است که تنها به قصد آرایش کلام نبوده بلکه در القای معنی از آن بهره برده است. این ویژگی با بسامد بالا در اثر وی نسبت به آثار همعصران

خویش موجب بوجود آمدن مختصه ادبی خاص او گردیده است. با یافتن این شگرد، رمزگشایی متن برای خواننده اثر فرایند ساده تری خواهد داشت و لذت و حظّ مخاطب متن از لونی دیگر خواهد بود.

فهرست منابع:

- ۱- بهار، محمد تقی (ملک الشعرا)، (۱۳۷۳)، سبک شناسی، چاپ هفتم، جلد سوم، تهران: سپهر.
- ۲- جوینی، عطا ملک بن محمد، (۱۳۷۸)، تاریخ جهانگشا، تصحیح محمد قزوینی، چاپ دوم، جلد اول، تهران: نقش قلم.
- ۳- زیدری نسوی، شهاب الدین محمد خرندزی، (۱۳۸۵)، نفثة المصدور، تصحیح و شرح امیر حسن یزدگردی، چاپ دوم، تهران: توس.
- ۴- وراوینی، سعدالدین، (۱۳۷۵)، مرزبان نامه، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ ششم، تهران: صفی علیشاه.
- ۵- همایی، جلال الدین، (۱۳۸۶)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ بیست و هفتم، تهران: هما.